

انسجام اجتماعی و رابطه آن با تشنت هنجاری

حسن غنیمتی^۱، فردین منصوری^۲، پروین داداندیش^{***}

کدارکید: ۵۶۴۸-۴۱۶۷-۳-۰۰۰۳-۰۰۰۰

کدارکید: ۵۰۹۹-۲۱۷۶-۳-۰۰۰۳-۰۰۰۰

کدارکید: ۵۳۱۹-۰۴۶۴-۳-۰۰۰۳-۰۰۰۰

DOR:<http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.18.9>

چکیده

یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر روی توسعه اجتماعی، وضعیت انسجام اجتماعی جوامع می‌باشد. جامعه‌شناسان، عوامل متعددی را به عنوان عوامل تأثیرگذار بر انسجام دخیل می‌دانند. یکی از مهمترین این عوامل، ویژگی‌های فرهنگی جوامع، وضعیت تشنت و چندگانگی هنجاری و نحوه مواجهه با این وضعیت در جوامع است. مدل‌های مختلفی از تأثیرگذاری کامل تا عدم تأثیرگذاری ویژگی‌های فرهنگی بر روی انسجام اجتماعی در ادبیات نظری مطرح شده است. بر اساس هدف مقاله، به نظر می‌رسد، جوامعی که با میزان بیشتری از تشنت هنجاری مواجه هستند، سطح انسجام پایین‌تری دارند. به منظور آزمون این مدعا یک مطالعه تطبیقی با استفاده از داده‌های ثانویه پیمایش ارزش‌های جهانی (۲۰۱۵-۱۹۹۵)، اقلیت‌های در معرض خطر، بانک جهانی، آزادی‌های مذهبی و مطالعات اجتماعی انجام شده است. دوره زمانی داده‌های این مطالعه از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ و شامل ۱۰۹ کشور می‌شود. نتایج نشان داد؛ جوامعی با میزان بالایی از چندگانگی و تشنت هنجاری، میزان پایینی از انسجام اجتماعی را دارا می‌باشند. شکل رابطه بین این دو متغیر هم برای تشنت هنجاری کل و هم برای اجزای سازنده آن تقریباً به صورت خطی بوده است. کشورهای آمریکای شمالی کمترین میزان تشنت هنجاری و بیشترین میزان انسجام را دارا بوده‌اند و کشورهای آفریقایی بالعکس از میزان بیشتری از تشنت هنجاری و میزان پایینی از انسجام برخوردارند. ایران از حیث انسجام اجتماعی در میان ۱۰۹ کشور جهان رتبه ۸۷ و از حیث تشنت و چندگانگی هنجاری رتبه ۳۱ در میان ۶۱ کشور را دارد.

کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های فرهنگی، تشنت هنجاری، انسجام اجتماعی، مطالعه تطبیقی.

۱ استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران، (نویسنده مسئول)

Email:h-ghanimati@sbu.ac.ir

**دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email:fardinmansori@gmail.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email:dadandish@wtiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۳۷-۲۶۵

۱. بیان مسئله

شناخت اصول و مدل‌هایی که می‌توانند زمینه ایجاد نظم و انسجام^۱ اجتماعی در یک جامعه را فراهم نماید یکی از ضروری‌ترین و اصلی‌ترین مسائل در مدیریت واحدهای کلان اجتماعی در زمان کنونی است، چرا که انسجام اجتماعی می‌تواند بر سایر پدیده‌های اجتماعی به‌ویژه بر روی بهگشت اجتماعی یا همان توسعه تأثیرگذار باشد. انسجام در میان کنشگران با همدیگر و در میان کنشگران با ساختارهای اجتماعی می‌تواند ناشی از علل و نیروهایی باشد که در سطوح مختلف عمل می‌نمایند. عدم انسجام اجتماعی از آن جهت که می‌تواند نظم واحدهای سازنده جامعه را تحت تأثیر قرار داده و باعث تجزیه جامعه به بخش‌های مختلف و فروپاشی آن شود؛ همیشه، مورد توجه بوده است. بر همین اساس انسجام اجتماعی موضوعی است که هم در سطح نظری و هم در سطح تجربی از گذشته، ذهن اندیشمندان علوم اجتماعی به معنای عام کلمه و سیاستگذاران را به خود اختصاص داده است.

در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روانشناسی اجتماعی از ابتدا انسجام یک مسئله کلیدی بوده است و یکی از پایدارترین مسائل تئوری جامعه‌شناسی کلاسیک این است که چگونه عناصر مختلف اجتماع همدیگر را حفظ می‌کنند و چگونه آنها با همدیگر منسجم باقی می‌مانند. طی دهه‌های پایانی قرن گذشته و اوایل قرن جاری نیز به‌واسطه تحولات وسیع جهانی و تأثیرگذاری آن بر امور داخلی جوامع بر اهمیت توجه به انسجام افزوده شده است. هکتر^۲ (۱۹۹۸:۳۳). به درستی اشاره می‌کند که توجه به نظم و انسجام اجتماعی بعد از یک دوره غفلت مجدداً مورد توجه علوم اجتماعی قرار گرفته است. انسجام اجتماعی به‌عنوان یک پدیده چند بُعدی و چند سطحی، است که هم تابع علل گوناگونی است هم اندازه و کیفیت آن بر سایر پدیده‌های جامعه و اعضای آن تأثیرگذار است. (چلبی، ۱۳۸۲:۱۲) لازم به یادآوری است که بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست. نقصان انسجام اجتماعی زمینه خشونت، جدایی و تجزیه بسیاری از جوامع را بعد از دهه ۱۹۵۰ فراهم کرده است. مطالعات بلاتمن و میگل^۳ (۲۰۱۰) نشان داد که از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۶ بیش از ۲۰ درصد جوامع حداقل ۱۰ سال جنگ داخلی را تجربه کرده‌اند و وجود تضاد و جنگ‌های داخلی در کمتر از ده درصد کشورها در سال ۱۹۶۰ به بیش از بیست درصد در دهه ۱۹۹۰ میلادی افزایش یافته است. نتایج این وضعیت منجر به ظهور بیش از سی‌وچهار کشور جدید از سال

۱ . Integration

۲ . Hechter

۳ . Blattman & Miguel

۱۹۹۰ به این سو در جهان شده است. همین وضعیت را می‌توان تا حدود زیادی در جامعه ایران نیز دیده می‌شود. شواهد متعددی از این حیث در جامعه ایران وجود دارد. شورش‌ها و اعتراضات صورت گرفته از انقلاب مشروطیت تاکنون را می‌توان در مطالعات صورت گرفته (غنیمتی، ۱۳۹۶) مشاهده کرد.

همچنین این وضعیت موجب بی‌نظمی، عدم توسعه و در نهایت عدم توفیق در دستیابی به توسعه اجتماعی در بسیاری از کشورها شده است. مطالعه صورت گرفته در میان ۷۱ کشور جهان طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ نشانگر وجود یک رابطه بسیار قوی، بین انسجام اجتماعی با توسعه اقتصادی است. این شواهد اهمیت مطالعه انسجام اجتماعی و علل تأثیرگذار بر آن را بیش از پیش آشکار می‌سازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تقریباً تمامی کشورهای توسعه یافته از انسجام اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. این مسئله اهمیت دستیابی به سطح مناسبی از انسجام اجتماعی و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن را نشان می‌دهد، چرا که فرایندهای انسجام‌بخش می‌توانند موجب توسعه، کنترل و هماهنگی کنش‌ها و تعاملات بین واحدها شوند (ترنر، ۲۰۰۶).

جامعه‌شناسان و اندیشمندان سایر علوم، علل متفاوتی را به‌عنوان عوامل اثرگذار در تغییرات و انسجام در سطوح متفاوت خرد و کلان مطرح نموده‌اند که هر کدام از عوامل دارای خاستگاه و میزان اثرگذاری متفاوتی است. از جمله عوامل طرح شده و مهم در ادبیات نظری نحوه تعامل و برخورد کنشگران خرد و کلان با هنجارها و ارزش‌های جاری در جوامع است. به‌ویژه به‌واسطه جهانی شدن و گسترش ارتباطات، با عناصر هویتی و نمادهای جدید بسیاری در جوامع مواجه هستیم که در تقابل با عناصر فرهنگی (هنجاری و ارزشی) گذشته و حاکم بر جوامع قرار می‌گیرند. بسیاری از جوامع به‌ویژه آنهایی که در شکل توسعه نیافته و در حال توسعه قرار دارند، با هنجارها و ارزش‌هایی مواجه هستند که برخی ریشه در سنت داشته و از نظر برخی از کنشگران کارکرد خود را از دست داده‌اند یا در مقابل برخی از هنجارها و ارزش‌هایی که ریشه در جوامع توسعه یافته دارند؛ با محصولات و صنایع، وارد جوامع مذکور شده‌اند. این وضعیت شرایط قطبی شدن و تضاد جامعه از حیث انتخاب و هماهنگی با هنجارها و ارزش‌ها را فراهم آورده و جامعه را به گروه‌هایی تقسیم کرده است که هر کدام هنجار و ارزشی را مقبول خود دانسته و در مقابل، هنجار و ارزش گروه دیگر را فاقد کارکرد و مبنای خردورزانه می‌دانند. وضعیت تضاد هنجاری و تضاد ارزشی از طریق تقلیل روابط بین‌گروهی، ظهور گروه‌ها و احزاب ضد نظام، موجب تضعیف انسجام اجتماعی گردیده و شرایط و زمینه‌های لازم برای توسعه یا همان توسعه اجتماعی و

اقتصادی را از بین خواهد برد (چلبی، ۱۳۸۲:۱۳۲) از این رو با توجه به اهمیت هم‌نوابی هنجاری و ارزشی در جامعه برای نیل به انسجام اجتماعی و نهایتاً توسعه اقتصادی، این مطالعه درصدد است به این سؤال که آیا تشتت و چندگانگی‌های هنجاری جاری در جوامع، می‌تواند نقصان و تضعیف انسجام اجتماعی را بدنبال داشته باشد، پاسخ دهد.

۲. چارچوب نظری

نظریه‌پردازی دربارهٔ انسجام اجتماعی و مفاهیم نزدیک به آن نظیر انسجام سیستمی، همبستگی اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی، وفاق، وحدت ملی، هویت ملی، اجماع و مهم‌تر از همه نظم اجتماعی در یک سرطیف و در سوی مقابل مفاهیمی نظیر تضاد، جامعه قطعه‌ای، تخصص، نفاق، بی‌نظمی و مفاهیم مرتبط دیگر همیشه مورد توجه محققین حوزهٔ علوم اجتماعی، علوم سیاسی، روانشناسی اجتماعی، مدیریت و سیاستگذاری عمومی بوده است. اندیشمندان این حوزه را می‌توان از کلاسیک تا معاصر ردیابی نمود. از جمله نظریه‌هایی که انسجام اجتماعی را تبیین کرده‌اند؛ می‌توان به نظریهٔ نظم، نظریهٔ تضاد، نظریهٔ وفاق و نظریه‌های شکست دولت‌ها، نظریه‌های انقلاب، نظریه‌های مبتنی بر نقش فرهنگ در تبیین انسجام، نظریه‌های تحلیل شبکه، نظریه‌های سطح فرد هم‌مبتنی بر عقلانیت و هم‌مبتنی بر احساس؛ نظیر نظریهٔ توازن، هویت، نظریهٔ چلبی و نظریهٔ ترنر اشاره داشت. به علت تعدد و تفاوت در خاستگاه‌های نظریه‌هایی که اقدام به تبیین انسجام نموده‌اند، علل تأثیرگذار و آثار متفاوتی از انسجام اجتماعی نیز مطرح شده است.

جامعه‌شناسان و اندیشمندان حوزهٔ علوم اجتماعی نظیر اسپنسر، هابز، تونیس، دورکیم، زیمل، وبر، پارسونز و دیگران در اینکه پایه‌های نظم و انسجام اجتماعی در جوامع مدرن کدامند، اختلاف نظر داشته و هرکدام ابعاد مختلفی را به لحاظ تحلیلی مطرح نموده‌اند که سه شیوه یا راه حل را می‌توان از همدیگر تمییز داد:

الف) راه حل هنجاری مبتنی بر هنجار و ارزش‌های مشترک. بر اساس این راه‌حل، هنجارها و اخلاقیات و ارزش‌های درونی شده، استفاده از زور و انتخاب وسایل و ترتیب اهداف را تنظیم می‌کنند.

ب) راه حل مبادله‌ای مبتنی بر نفع فردی و فایده‌گرایی. بر اساس این راه‌حل، هنجارها و اخلاقیات، انتخاب وسایلی را که از شرایط بیرونی (واحد‌های اجتماعی متقابلاً وابسته ساخته شده) اشتقاق شده را تنظیم می‌کنند.

ج) راه حل قهری مبتنی بر ترس از پیامدهای منفی تضاد که زمینه ایجاد هنجارهای مشترک را فراهم می‌آورد. بر اساس این راه‌حل، هنجارها و نهادها از طریق توافق متقابل میان کنشگران بوجود آمده و روابط میان کنشگران را تنظیم می‌نماید (دزموند^۱، ۱۹۷۱: ۳۳).

به نظر می‌رسد که از سه شیوه یا راه‌حل هنجاری، مبادله‌ای و قهری برای رسیدن به نظم و انسجام اجتماعی، راه‌حل هنجاری به دلایل الف) تمرکز بر روی مسئله حفظ یک نظام در قالب مشارکت کنندگانی که قبلاً هنجارها را درونی کرده‌اند. ب) گرایش به ترکیب مسئله حفظ ثبات با نظم با میزانی از انسجام و ج) توجه جدی به ۱) درجه تضاد ناشی از ارزش‌های مشترک و ۲) نقش ارزش‌های شخصی در ایجاد و حفظ نظام اجتماعی، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه می‌توان دسته‌بندی‌های دیگری از آرای اندیشمندان از نظم و انسجام اجتماعی را ارائه نموده و طبیعتاً به دنبال آن علل متفاوت یا ترکیب متفاوتی از علل را هم پیشنهاد داد. با این حال به لحاظ اهمیت راه‌حل هنجاری در حل مسئله انسجام اجتماعی می‌توان نظریات مرتبط با راه‌حل‌ها را در دو دسته مشخص از همدیگر تفکیک نمود، الف) نظریات و اندیشمندانی که بر اثرگذاری هنجارها و ارزش‌های مشترک بر روی انسجام اجتماعی تأکید داشته و در مقابل ب) نظریه‌ها و اندیشمندانی که بیشتر بر راه‌حل‌های دیگر تأکید داشته و هنجار و ارزش‌های مشترک را عاملی برای انسجام اجتماعی ندانسته و یا وزن کمتری برای آن قائلند.

الف - نظریه‌ها و اندیشمندان موافق راه‌حل هنجاری

پارسونز از جمله مهمترین افرادی است که معتقد به راه حل هنجاری برای مسئله نظم و انسجام اجتماعی است. از نظر وی انسجام اولیه نظام اجتماعی مبتنی بر الگوهای تعمیم یافته‌ای از ارزش‌های جهت داده شده، است و مسئله نظم، زمانی که علایق کنشگران با نظام مشترکی از ارزش‌های جهت داده شده استاندارد، هم‌نوا شود، قابل حل شدن است. از نظر پارسونز هر نظم و انسجام اجتماعی بالقوه و بالفعل در معرض منافع متضاد کنشگران اجتماعی است. برای چنین مشکلی پارسونز در واکنش به نظریه‌های فایده‌گرای نظم، پاسخ هنجاری ارائه می‌کند. وی معتقد است که جوامع تنها، زمانی می‌توانند منسجم باقی بمانند که تعاملات اجتماعی حول محور مجموعه‌ای از ارزش‌ها و بینش‌های مشترک درباره مسائل تمرکز یافته باشند. پارسونز هسته اصلی مسئله نظم را در کم و کیف انسجام هنجاری می‌بیند که مبتنی بر اصول مشترک ارزشی در جامعه است. به بیان دقیق‌تر، در وهله اول، حل مسئله نظم منوط به تنظیم هنجاری روابط بین واحدها بر مبنای اصول مشترک ارزشی است که از طریق نهادینه شدن اجتماعی و

۱ . Desmond

فرهنگی میسر می‌شود و در وهلهٔ دوم، حل مشکل نظم را با تنظیم هنجاری، درون‌واحدی از طریق درونی کردن فرهنگ ممکن می‌داند (دراگولوف و همکاران^۱، ۲۰۱۶: ۱۵۲).

الستر (۱۹۹۰) نیز در بررسی نظم و انسجام اجتماعی بر هنجارهای اجتماعی تأکید دارد، وی دو نوع اختلال (بی‌نظمی اجتماعی) را از هم تمیز می‌دهد اول، فقدان پیش‌بینی‌پذیری رفتار و دوم، فقدان تعاون. کانون توجه الستر بیشتر بر روی اختلال نوع دوم، یعنی فقدان تعاون است. از نظر الستر راه‌حل هر دو نوع اختلال عمدهٔ نظم اجتماعی تا حدی در کم و کیف هنجارهای اجتماعی نهفته است (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۵).

در این دسته از نظریه‌ها همچنین می‌توان به نظریهٔ توافق و پیروان این نظریه اشاره داشت. برخی از جامعه‌شناسان بطور کلی تئوری‌های جامعه‌شناسی را در دو دسته کلی دیدگاه وفاق و دیدگاه تضاد دسته‌بندی نموده‌اند. آنها معتقدند که جوامع نمی‌توانند بدون حضور همزمان وفاق و تضاد وجود داشته باشد و این دو به‌نوعی پیش‌نیاز حضور دیگری است. دیدگاه توافق (هورویتز^۲، ۱۹۹۸) بر این اصل استوار است که جوامع یک تمایل درونی برای حفظ خود در یک حالت تعادلی از طریق تعاملات متقابل و حمایتی دارند. از نظر طرفداران نظریهٔ توافق، آن چیزی که باعث نظم می‌شود؛ توافق‌های ضمنی بر روی ارزش‌ها و هنجارهای مشترک است. به عقیدهٔ مارشال اصطلاح وفاق یا اجماع به موقعیت، نتیجه‌گیری یا مجموعه‌ای از ارزش‌ها اشاره دارد که توافق مشترکی بر سر آنها صورت گرفته است (مارشال^۳، ۱۳۸۸: ۲۰۲). همچنین گیدنز وفاق را توافق دربارهٔ ارزش‌های اجتماعی بنیادی اعضای یک گروه، اجتماع یا جامعه می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۷۵۸).

شف^۴ (۱۹۶۷) معتقد است وفاق بر روی ارزش‌ها، باورها و قواعد مشترک می‌تواند از طریق کاهش میزان تضاد در جوامع بر میزان انسجام اجتماعی بیفزاید. وی تفکیک و تمایز یافتگی میان افراد و واحدها به‌واسطهٔ خصوصیات متعدد فردی و جمعی را از جمله مهمترین ویژگی‌های جوامع کنونی می‌داند که می‌تواند شرایط مناسبی را برای ظهور و تکثیر انواع خرده‌نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوجود آورده و زمینهٔ بروز مناقشات و تضادهای فردی و جمعی را فراهم آورد. از این رو وفاق بر روی ارزش‌ها می‌تواند عامل مهمی برای حفظ و گسترش نظم و انسجام باشد. کالینز، هانمن، هایز، هایدن و نیوکمپ در قالب نظریه‌های خرد مبتنی بر عواطف و احساسات به تبیین انسجام اجتماعی و عوامل تأثیرگذار پرداخته‌اند. در نظریه‌های خرد، با بار عاطفی، عامل انسجام میان کنشگران، نه صرفاً محاسبات عقلانی، بلکه

۱ . Dragolov et al.

۲ . Horwitz

۳ . Marshall

۴ . Shaf

روابط عاطفی و انگیزه احساسی افراد است که در تعلق به گروه، ارزش‌ها و باورهای مشترک نقش دارد.

برای کالینز و هانمن^۱ (۱۹۹۸)، انسجام به معنای احساس اخلاقی باهم بودن است. این فرایند شامل شعائر تعاملی است که به‌عنوان مکانیسم بازتولید انسجام عمل می‌کند. از نظر کالینز هرچقدر این توافق بر روی ارزش‌ها و هنجارها در میان اعضای گروه بیشتر می‌شود، شرایط برای ایجاد دوستی میان اعضا فراهم شده و متقابلاً با افزایش دوستی میان اعضای گروه، امکان توافق آنها بر روی موضوعات متفاوت بیشتر می‌گردد. کالینز معتقد است نهایتاً این فرایند زمینه ایجاد انسجام بیشتر بین اعضای گروه را فراهم می‌آورد.

بریدال^۲ (۲۰۱۸) نیز معتقد است، آگاهی از داشتن ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و یکسان با دیگر اعضای جامعه منجر به ظهور احساسات مثبت و اعتماد میان افراد شده و انسجام در میان این اعضا را بیشتر خواهد کرد.

اسپیکر^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه خود عنوان می‌کند، جوامعی که دارای میزان بالاتری از عام-گرایی بوده‌اند و ارزش‌ها و هنجارهای مشترک بیشتری داشته‌اند، از میزان بالاتری از انسجام اجتماعی نیز برخوردار بوده‌اند.

هایز^۴ (۱۹۹۸: ۲۳) یکی دیگر از کسانی است که اقدام به تحلیل انسجام اجتماعی نموده است. در واقع به نظر می‌رسد نظریه هایز از انسجام، شکل دیگری از نظریه توازن باشد که توسط وی گسترش یافته است و می‌توان در نظریه‌های تاجفل و ترنر در روانشناسی اجتماعی و نظریه هویت مشاهده نمود. صورت‌بندی هایز از انسجام بر روی وجود دو پدیده غیرشخصی - آگاهی همدلانه از واکنش‌های احساسی با دیگری و استقراء توافق از مشاهده کنش‌های موازی-وابسته است.

برخی دیگر از اندیشمندان در قالب نظریه شبکه‌های اجتماعی اقدام به تبیین مسئله انسجام اجتماعی نموده‌اند. افرادی نظیر مارکوفسکی، وایت، هرری، فارارو، دوراین و دیگران معتقدند که ارزش‌ها و هنجارهای مشترک از طریق مکانیسم‌هایی نظیر تعدی و دخالت‌های ساختاری، می‌تواند منجر به گسترش روابط شده و نهایتاً زمینه انسجام اجتماعی را فراهم آورند. افرادی نظیر مادونسلا^۵ (۲۰۱۸) و شفر و ون در نویل^۱ (۲۰۱۶) در قالب‌های دیگر نظری، یکی از ویژگی‌های گروه‌های منسجم را اشتراک نظر به مسائل مختلف می‌دانند و معتقدند که

۱ . Collins & Hanneman

۲ . Breidahl

۳ . Spicker

۴ . Hayes

۱ . Madoensla,

وفاق بر روی هنجارها و ارزش‌ها، ذاتی و سازنده انسجام اجتماعی بوده و از طریق افزایش پیش-بینی‌پذیری رفتار و افزایش اعتماد میان کنشگران منجر به افزایش انسجام اجتماعی در جامعه می‌گردد. فونسکا و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در مطالعه خود نشان داده‌اند که علیرغم گذر زمان، اشتراک در اهداف، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری یکی از عوامل اصلی بروز انسجام اجتماعی در جوامع از نظر اندیشمندان از گذشته تا حال بوده است.

همچنین می‌توان به نظریه چلبی (۱۰۷-۱۳۸۲:۱۱۲) اشاره داشت. وی با پیروی از پارسونز در تبیین نظم اجتماعی و به تبع انسجام اجتماعی و عواملی که احتمالاً موجب تغییر میزان انسجام اجتماعی می‌شوند به اختلال هنجاری اشاره می‌کند. منظور از اختلال هنجاری تقریباً همان چیزی است که دورکیم آن را «آنومی اجتماعی» می‌نامد. از نظر او، اختلال هنجاری در اشکال مختلف می‌تواند انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. او پنج شکل مختلف برای اختلال هنجاری در نظر می‌گیرد. الف) قطبی شدن هنجاری ب) تضاد هنجاری ج) ناپایداری هنجاری د) ضعف هنجاری و ه) بی‌هنجاری.

از منظر چلبی، قطبی شدن هنجاری می‌تواند سر منشاء بروز تضاد و اختلاف در میان دو اکثریت از جمعیت باشد که هرکدام به یک امر واحد دو نوع نگاه معمولاً متضاد دارند. این دوگانگی، اعضای جامعه را دچار ابهام در تشخیص درست از غلط می‌نماید و شرایط بروز تضاد ارزشی در جامعه را فراهم می‌کند. قطبی شدن و اختلال هنجاری موجب ابهام در اهداف اجتماعی و سردرگمی اجتماعی می‌شود و به تبع آن ما شاهد ضعف تعهدات جمعی و وفاق اجتماعی هستیم. چلبی در ادامه به تضاد هنجاری اشاره کرده و معتقد است که در وضعیت تضاد هنجاری، اعضای جامعه به صورت دیجیتالی (صفر و یک) به دوگروه تقسیم شده و هر گروه در دو فضای هنجاری متفاوت سیر می‌کنند و همدیگر را کم و بیش خنثی می‌کنند (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

از منظر چلبی تضاد هنجاری می‌تواند تنظیم اجتماعی در بعد روابط بین گروهی را با مشکل مواجه سازد. با وجود تضاد هنجاری تراکم روابط بین‌گروهی کاهش می‌یابد و با این کاهش، انسجام کلی نیز تضعیف می‌گردد. در واقع تضاد هنجاری جامعه را تبدیل به یک جامعه قطعه‌ای کرده و اعتماد متقابل تعمیم یافته را کاهش داده و موجب افزایش نقش زر و زور در تنظیم روابط اجتماعی می‌گردد. تضاد هنجاری خاص‌گرایی را در جامعه ترویج می‌کند و کمک می‌کند تا افراد دایره دوستی خود را محدود و در عوض دایره دشمنی را گسترده‌تر تعریف کنند. از نظر سیاسی تضادهای هنجاری فراگیر به نوبه خود می‌توانند زمینه ظهور گروه‌ها و

۲ . Schiefer & Van der Noil

۳ . Fonseca et al.

احزاب ضدنظام را فراهم نمایند (همان: ۱۱۷). اسکاچپول نیز یکی از عوامل شکست دولت‌ها و انقلاب‌ها را، تضعیف انسجام کلی از طریق تضاد بین و درون نخبگان معرفی می‌کند (کالینز، ۱۹۹۵: ۱۲۰).

از منظر ترنر (۲۰۰۶) و گلدستون و اسکاچپول^۱ (۱۹۹۵) تضاد هنجاری از طریق تنظیم اجتماعی و جمعیت و افزایش هزینه نظارت می‌تواند اثر کاهنده بر روی انسجام اجتماعی داشته باشد. همچنین تضاد هنجاری از طریق کاهش تراکم روابط اجتماعی اثر منفی بر روی انسجام اجتماعی میان کنشگران دارد، موضوعی که اندیشمندان نظریه تحلیل شبکه، نظیر مارکوفسکی^۲ (۱۹۹۴)، وایت و هری^۳ (۲۰۰۱) و دیگران به آن اشاره داشته‌اند.

چلبی سومین نوع از اختلال هنجاری را ناپایداری هنجاری می‌داند. منظور از ناپایداری هنجاری، تناقض منطقی بین دو یا چند هنجار در یک نظام هنجاری است. چهارمین نوع از اختلالات هنجاری ضعف هنجاری است. مراد از ضعف هنجاری نقصان علقه و تعهد نسبت به هنجار در میان اکثریت افراد جامعه است. پنجمین، نوع از اختلال هنجاری از منظر چلبی بی هنجاری است. بطور ساده بی‌هنجاری مربوط به وضعیتی می‌شود که انجام امور فارغ از هرگونه هنجاری صورت می‌پذیرد. وضعیت خلاء هنجاری به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند سرمنشاء تضادهای رابطه‌ای و نهایتاً وضعیت عدم انسجام میان گروه‌های مختلف اجتماعی باشد (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۱۸).

ب) نظریات و اندیشمندان مخالف راه‌حل هنجاری

در مقابل گروهی از صاحب‌نظران، که بر نقش محوری وحدت ارزشی و اشتراک هنجاری در ایجاد و حفظ نظم و انسجام تأکید می‌ورزند، برخی دیگر از محققین معتقدند که ارزش‌ها و هنجارهای مشترک عاملی برای حفظ نظم و انسجام در جوامع نبوده و یا از میزان اثرگذاری کمتری در مقایسه با عوامل دیگر برخوردارند. این گروه از اندیشمندان را می‌توان بیشتر در دو دسته معتقدان به راه‌حل‌های قهری و تا حدودی مبادله‌ای قرار داد. از جمله، این اندیشمندان می‌توان به پیروان نظم ابزاری مبتنی بر رهیافت‌های فردگرایانه، که ریشه نظم و انسجام اجتماعی را در سطح فردی و نفع فردی جستجو می‌کنند، اشاره داشت. افرادی نظیر لاک، پیروان نحله مطلوبیت‌گرایی در اقتصاد، هومنز و کلمن و هکتر را در این دسته می‌توان قرار داد. همچنین بایستی به پیروان نظم خردگرا مبتنی بر رهیافت جمع‌گرایانه اشاره داشت. در این

۱ . Goldstone & Scotchpool

۲ . Markovsky

۳ . White & Harry

برداشت ریشه‌ی نظم و انسجام اجتماعی به عناصر عینی و بیرونی کنش تقلیل می‌یابد. از نمایندگان این نوع برداشت می‌توان به کسانی نظیر هابز، بنتام، رکس، پرزیرفسکی و دیگران اشاره کرد.

از منظر این رهیافت‌ها و پیروان آنها ریشه‌ی نظم در علایق عقلایی افراد نفع طلب قرار دارد. بنابراین، افراد منافع خود را در پیوستن به قواعد مشترک می‌دانند. چنانکه هابز معتقد به ناقص بودن نوع دوستی انسان‌ها بوده و استفاده از تهدید و اجبار دولت برای تشویق افراد برای تأمین منافع اکثریت و هم‌نوايي با نظم و انسجام را لازم می‌داند. اسپنسر نظم و انسجام اجتماعی را نه بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، بلکه مبتنی بر روابط قراردادی می‌بیند. زمیل نیز در این اندیشه با اسپنسر توافق دارد که مبادله را شکل غالب رابطه‌ی اجتماعی و تداوم دهنده‌ی جریان جامعه می‌داند (چلبی، ۱۳۸۲: ۳۲).

از افراد معاصر دیگر، می‌توان به (کیملیکا^۱، ۱۹۹۵) اشاره داشت که ادعا می‌کند، ارزش‌های مشترک ضرورتاً عاملی برای اتحاد جوامع نیستند، چرا که ارزش‌ها و اصول مشترک و یکسان برای دو گروه، لزوماً به معنی داشتن دلیل قوی برای پیوستن به‌همدیگر یا باقیماندن باهم در مقابل جدا ماندن و یا تبدیل به دو جامعه‌ی جدا از هم نیست. کیملیکا به منظور اثبات ادعای خود شرایط کبک در کانادا، اسکاتلند و ولز در بریتانیا، کاتالونیا و باسک در اسپانیا و موارد دیگر را یادآور شده و معتقد است که ارزش‌های مشترک پایه‌های کافی برای ایجاد انسجام و حفظ دولت - ملت پایدار نبوده‌اند.

جنسون^۲ (۲۰۱۹) نیز در مطالعه‌ی خود عنوان می‌کند که انسجام از ارزش‌ها مشترک منتج می‌شود، اگرچه هم‌زمان عنوان می‌کند که تأکید بر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و انطباق با آن می‌تواند زمینه‌های از بین رفتن آزادی‌های فردی را فراهم آورد.

علیرغم برتری اکثریت اندیشمندان حوزه‌ی علوم اجتماعی در توجه به اصول، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک به‌عنوان راه‌حل هنجاری در حل مسئله‌ی نظم و انسجام اجتماعی در جوامع از گذشته تا حال، با این حال کمتر مطالعات تجربی تطبیقی در سطح بین‌کشوری وجود دارد که به آزمون مدعیات نظری نقش هنجارها و ارزش‌های مشترک در ایجاد و حفظ نظم و انسجام اجتماعی پرداخته باشد. در این مطالعه، قصد داریم با استفاده از داده‌های بین‌کشوری به بررسی راه‌حل هنجاری انسجام اجتماعی پرداخته و به این سؤالات پاسخ دهیم که:

۱- آیا تشتت هنجاری براساس شواهد تجربی می‌تواند اثرگذاری خود را بر روی انسجام اجتماعی در میان جوامع مورد مطالعه نشان دهد؟ یا همانند نظر برخی از متفکرین

۱. Kymlicka

۲. Jenson

اشتراک هنجاری و ارزشی اثر چندانی بر روی ایجاد و حفظ نظم و انسجام در جامعه نخواهد داشت؟

۲- در صورت وجود رابطه، شکل و نوع آن چگونه خواهد بود؟

۳- میزان اثرگذاری اشتراک و وفاق هنجاری، در مقایسه با عوامل مهم دیگر نظیر

اختلال توزیعی (نابرابری) و اختلال نمادی، بر روی انسجام اجتماعی چگونه است؟

به منظور پاسخگویی به سؤال فوق لازم است یک تعریف روشن از تشمت و چندگانگی هنجاری ارائه شود. با توجه به تعاریف و تقسیم‌بندی صورت گرفته از ابعاد اختلال هنجاری، می‌توان تشمت و چندگانگی هنجاری را عدم وفاق بر روی یک هنجار واحد در میان اعضای جامعه دانست. در صورتی که نظر اکثریت اعضای جامعه نسبت به یک هنجار واحد یکسان باشد، با وفاق و اشتراک هنجاری و در صورت وجود دو یا چندین گروه از افراد با نظرات متفاوت نسبت به هنجار مذکور با تشمت و چندگانگی هنجاری مواجه خواهیم بود. تشمت هنجاری می‌تواند درجاتی از کم تا زیاد را به خود بگیرد و هرچقدر میزان عدم وفاق در مورد هنجارها و ارزش‌های جامعه به‌ویژه هنجارها و ارزش‌های مهم و اساسی بیشتر باشد اعضای جامعه به صورت گروه‌های قطعه‌ای متخاصم با همدیگر درخواهند آمد.

۳. روش شناسی

به منظور پاسخگویی به سؤالات فوق اقدام به تحلیل ثانویه داده‌های استاندارد موج‌های مطالعاتی ۵ و ۶ از پیمایش جهانی ارزش‌ها^۱ (۱۹۹۵، ۲۰۱۵) و داده‌های مؤسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی^۲ (ISS) وابسته به دانشگاه اراسموس^۳ هلند شده است.

برای اندازه‌گیری میزان تشمت هنجاری از داده‌های موج‌های مطالعاتی ۵ و ۶ از پیمایش جهانی ارزش‌ها (۱۹۹۵، ۲۰۱۵) موج‌های پنجم و ششم استفاده شده است. شاخص مذکور براساس نمره انحراف از میانگین بدست آمده از ۱۲۰۰ نمونه از افراد ۱۸ تا ۸۵ ساله هر کشور در پاسخ به چهار متغیر (جدول ۱) محاسبه شده است. به منظور حفظ اعتبار مطالعه از ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه که توسط تیم تحقیق (WVS) مورد بررسی قرار گرفته، استفاده شده است. همچنین از شیوه مصاحبه رودررو برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. نمونه‌گیری مورد استفاده، ترکیبی از روش احتمالی و طبقه‌بندی بوده است. به منظور ارتقاء پایایی، دانشمندان علوم اجتماعی در مؤسسات دانشگاهی هر کشور وظیفه مدیریت مطالعه را برعهده داشته و تلاش شده است عدم پاسخگویی‌ها به حداقل رسانده شود. جدول (۱) معرف‌های به-کاررفته برای اندازه‌گیری تشمت هنجاری را نشان می‌دهد.

جدول (۱) معرف‌های شاخص میزان تشمت هنجاری کل

هنجار	کمترین میزان انحراف از میانگین (کل کشورها)	بیشترین میزان انحراف از میانگین (کل کشورها)
انحراف میانگین هنجار کار	۰,۲۶	۱,۰۸
انحراف میانگین هنجار موفقیت	۲,۰۸	۳,۳۶
انحراف میانگین هنجار وفاداری	۰,۱۷	۰,۵
انحراف میانگین هنجار انصاف	۱,۴۹	۳,۱۳

با توجه به جدول فوق هر چقدر میزان انحراف میانگین یک جامعه بیشتر باشد، نشانگر آن است که افراد جامعه درباره یک موضوع خاص نظرات متفاوت‌تری داشته و اشتراک نظر کمتری نسبت به آن موضوع وجود دارد. در چنین شرایطی تشمت هنجاری بیشتر خواهد بود و بالعکس.

۱ . World Value Survey (WVS)

۲ . International Institute of Social Studies

۳ . Erasmus

انسجام اجتماعی و رابطه آن با تشنت هنجاری

جوامع براساس شاخص میزان تشنت هنجاری، از کمترین میزان تشنت هنجاری تا بیشترین میزان تشنت هنجاری رتبه بندی شده‌اند. سؤالات سازنده تشنت هنجاری در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲) سؤالات سازنده ابعاد شاخص تشنت هنجاری

سؤال	ابعاد تشنت هنجاری
۱. ضرورت آموزش کار سخت به کودکان در خانواده	هنجار کار سخت
۲. کار سخت عامل موفقیت است	هنجار موفقیت
۳. تمایل به جنگ برای کشور	هنجار وفاداری
۴. واکنش و رفتار مردم در موقعیت های مختلف روزمره (سو استفاده یا انصاف)	هنجار انصاف

برای اندازه‌گیری اختلال نمادی، از میزان محدودیت نشانگان فرهنگی به‌عنوان سیاست‌های حاکم بر جوامع به‌منظور مدیریت تنوعات قومی، فرهنگی و مذهبی از داده‌های MAR (جدول ۳) که از بدون محدودیت تا محدودیت کامل رتبه‌بندی شده، استفاده شده است.

جدول (۳) معرف شاخص محدودیت‌های فرهنگی و مذهبی

محدودیت در استفاده از زبان یا ساختارهای زبانی RL - ۰ - ۳

همچنین از داده‌های پیمایش بین‌المللی آزادی مذهبی^۱ (فینک^۲، ۲۰۱۱) برای ساخت شاخص محدودیت مذهبی توسط دولت‌ها استفاده شده است. این شاخص‌ها از ۰ = بدون هیچ نظارت، اصلاح و طرفداری تا ۹ و ۱۰ به معنای سطح بالایی از نظارت، اصلاح و طرفداری رتبه‌بندی شده است (جدول ۴).

جدول (۴) معرف‌های شاخص محدودیت‌های مذهبی

اصلاح مقررات اجتماعی دین توسط دولت‌ها ۰-۱۰ ^۳
شاخص طرفداری دولت‌ها از دین ۰-۹ ^۴
شاخص نظارت دولت بر دین (کوپرمن ^۵ ، ۲۰۱۶) ۰-۱۰

۱. International Religious Freedom (IRF)
۲. Finke
۳. Modified Social Regulation of Religion (MSRI)
۴. Government Favoritism of Religion (GFI)
۵. Cooperman

با ترکیب شاخص محدودیت فرهنگی و شاخص محدودیت مذهبی، شاخص محدودیت مذهبی و فرهنگی به عنوان اختلال نمادی ساخته شده است. برای اندازه‌گیری اختلال توزیعی (نابرابری) از شاخص جینی استفاده شده است. داده‌های مربوط به متغیر مذکور از داده‌های بانک جهانی استفاده شده است. همچنین برای اندازه‌گیری میزان انسجام اجتماعی (متغیر وابسته) که متشکل از ۵ معرف (جدول ۵) می‌باشد، از شاخص‌های توسعه اجتماعی (ISD)^۱ مربوط به داده‌های مؤسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی (ISS)^۲ (۲۰۰۵، ۲۰۱۰) استفاده شده است که خود از منابع متعددی نظیر صندوق صلح^۳، داده‌های اکونومیست^۴، راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها^۵، داده‌های کشورهای لاتین^۶، داده‌های کشورهای آفریقایی^۷، داده‌های کشورهای آسیایی^۸، داده‌های اتحاد جهانی سازمان‌ها و فعالیت‌های مدنی^۹ و اقلیت‌های در معرض خطر^{۱۰} استفاده کرده است.^{۱۱}

مؤسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی، برای جمع‌آوری داده‌های انسجام اجتماعی به‌عنوان بخشی از داده‌های (ISD)، از روش (تطبیق با صدک) استفاده کرده است که توسط لامبسدورف (۲۰۰۷) به منظور سنجش شاخص درک فساد، توسعه یافته بود^{۱۲}. روش (تطبیق با صدک) مزایای مختلفی برای ایجاد مجموعه‌ای از شاخص‌هایی با ماهیت (ISD) به همراه دارد که الف) باعث غلبه بر مسئله تعصب در نمونه‌برداری شده و ب) اجازه می‌دهد موج‌های پی‌درپی از داده‌های مرتبط با معرف‌ها حتی با نمونه‌های بسیار کوچک به داده‌های اولیه اضافه شوند، که می‌تواند برای بهبود مداوم "پالایش" داده‌های هر کشور مفید باشد. مؤسسه مذکور به منظور کاهش میزان خطای اندازه‌گیری، از چندین راهبرد استفاده کرده است:

راهبرد اول، نظارت دقیق‌تر در انتخاب و در نظر گرفتن شاخص‌ها می‌باشد.

- ۱ . Indices of Social Development
- ۲ . International Institute of Social Studies
- ۳ . The Fund for Peace
- ۴ . Economist Intelligence Unit
- ۵ . International Country Risk Guide
- ۶ . Latinobarometer
- ۷ . Afrobarometer
- ۸ . Asiabarometer
- ۹ . Civicus
- ۱۰ . Minorities at Risk
- ۱۱ . <https://www.indsocdev.org/methodology.html>

۱۲. برای درک بیشتر از روش مطالعه به http://www.transparency.org/policy_research/surveys_indices/cpi/2010 مراجعه شود.

انسجام اجتماعی و رابطه آن با تشنت هنجاری

راهبرد دوم، برای کاهش خطای اندازه‌گیری، علاوه بر سخت‌گیری در انتخاب شاخص‌ها، از ترکیب چندین شاخص استفاده شده است. ترکیب شاخص‌ها، خطای اندازه‌گیری را از بین نمی‌برد، اما با افزایش تعداد نشانگرها، ترکیبی از چندین منبع به تدریج خطا را کاهش می‌دهد (کافمن^۱، ۲۰۰۶؛ کافمن و همکاران، ۱۹۹۹). جدول (۵) معرف‌های به‌کاررفته برای اندازه‌گیری انسجام اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول (۵) معرف‌های میزان انسجام اجتماعی بر اساس شاخص انسجام مؤسسه (ISS)

نشانگر	کمترین میزان معرف (کل کشورها)	بیشترین میزان معرف (کل کشورها)
فعالیت‌های مدنی اعضای جامعه	۴,۲۳	۶,۷۹
یکپارچگی گروهی	-۰,۳۲	۷,۸۹
امنیت شخصی و اعتماد	۲,۴۶	۶,۵۲
عضویت در انجمن‌ها و مشارکت	۲,۳۰	۷,۸۵
عام‌گرایی	۲,۸۴	۶,۴۹
شاخص کل انسجام اجتماعی	۳,۴۴	۶,۴۹

با توجه به جدول فوق جوامعی که دارای میزان بالاتری از نشانگرهای (فعالیت‌های مدنی اعضای جامعه، یکپارچگی گروهی، امنیت شخصی و اعتماد، عضویت در انجمن‌ها و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و عام‌گرایی) بوده‌اند از میزان انسجام اجتماعی بالاتری برخوردار می‌باشند. دوره زمانی داده‌های این مطالعه ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ و شامل ۱۰۹ کشور می‌شود.

۴. یافته‌ها

به منظور شناخت بیشتر از وضعیت انسجام اجتماعی و تشنت هنجاری هم در ابعاد و هم به صورت کلی لازم است تصویر کلی از وضعیت این متغیرها بر حسب مناطق جغرافیایی و کل داشته باشیم و سپس تلاش می‌شود به سؤالات طرح شده این مطالعه پاسخ داده شود.

جدول (۶) میانگین شاخص‌های انسجام، تشنت هنجاری براساس ابعاد و کل بر حسب نواحی جغرافیایی

نواحی	انسجام	تشنت هنجار کار	تشنت هنجار موفقیت	تشنت هنجار وفاداری	تشنت هنجار انصاف	تشنت هنجاری کل
اروپا	۵,۴۵	۰,۷۷	۲,۶۳	۰,۴۴	۲,۲۷	۶,۱۵

۱. Kaufmann

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲

۶,۳۹	۲,۵۶	۰,۴۰	۲,۷۵	۰,۶۲	۴,۹۰	آفریقا
۶,۳۰	۲,۶۱	۰,۴۷	۲,۷۵	۰,۶۴	۴,۹۵	آمریکای جنوبی
۶,۲۹	۲,۵۱	۰,۴۷	۲,۶۰	۰,۷۱	۵,۵۳	اقیانوسیه
۶,۱۶	۲,۴۵	۰,۳۸	۲,۶۳	۰,۶۹	۵,۰۱	آسیا
۶,۱۵	۲,۳۵	۰,۴۸	۲,۳۸	۰,۸۱	۵,۹۸	آمریکای شمالی
۶,۱۹	۲,۴۲	۰,۴۲	۲,۶۶	۰,۷۱	۵,۲۰	کل
۴,۶۸	۱,۴۹	۰,۱۷	۲,۰۸	۰,۲۶	۳,۴۴	کمترین میانگین کشورها
۷,۴۵	۳,۱۳	۰,۵۰	۳,۳۶	۱,۰۸	۶,۴۹	بیشترین میانگین کشورها

نمای کلی از وضعیت کشورهای مورد بررسی برحسب مناطق جغرافیایی با توجه به متغیرهای مورد مطالعه، نشان می‌دهد که کمترین میزان میانگین انسجام اجتماعی، متعلق به آفریقا و بیشترین میزان میانگین انسجام اجتماعی، متعلق به آمریکای شمالی می‌باشد. همچنین بیشترین میزان میانگین تشتت هنجاری کل مربوط به آفریقا و کمترین آن مربوط به آمریکای شمالی و اروپا می‌باشد. پس از شناخت کلی از متغیرهای مطالعه تلاش می‌شود به سؤالات طرح شده مطروحه پاسخ داده می‌شود.

الف) برای پاسخ به سؤال اول، اقدام به بررسی همبستگی بین شاخص تشتت هنجاری هم در ابعاد و هم به صورت کلی در جوامع با میزان انسجام اجتماعی پرداختیم. جدول زیر وضعیت رابطه این متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول (۷) رابطه همبستگی بین شاخص تشتت هنجاری هم در ابعاد و هم بصورت کلی در جوامع با میزان انسجام اجتماعی

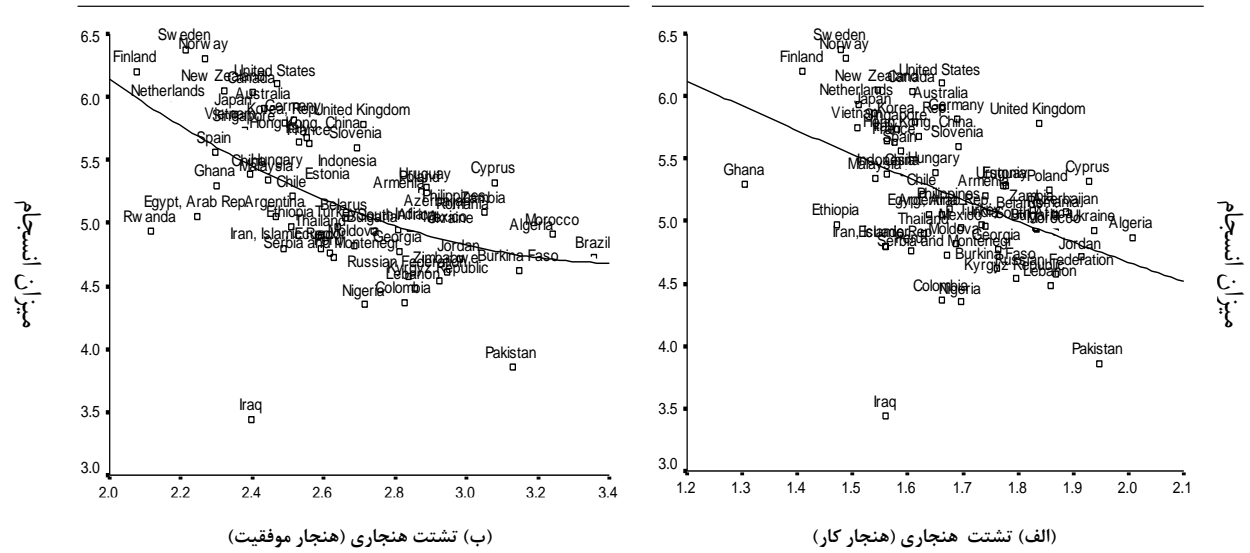
میزان انسجام		
ضریب همبستگی	تشتت هنجاری (هنجار کار)	-۰,۴۹۶(**)
سطح معناداری		۰,۰۰۰
ضریب همبستگی	تشتت هنجاری (هنجار موفقیت)	-۰,۶۲۷(**)
سطح معناداری		۰,۰۰۰
ضریب همبستگی	تشتت هنجاری (هنجار وفاداری)	۰,۰۸۱
سطح معناداری		۰,۰۵۴
ضریب همبستگی	تشتت هنجاری (هنجار انصاف)	-۰,۶۴۳(**)
سطح معناداری		۰,۰۰۰
ضریب همبستگی	تشتت هنجاری کل	-۰,۶۲۴(**)
سطح معناداری		۰,۰۰۰

با توجه به جدول فوق، بین شاخص تشمت هنجاری هم در ابعاد و هم به صورت کلی در جوامع با میزان انسجام اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از تحلیل داده‌ها تنها میان تشمت هنجاری دفاع از وطن به عنوان (هنجار وفاداری) با انسجام اجتماعی رابطه وجود ندارد.

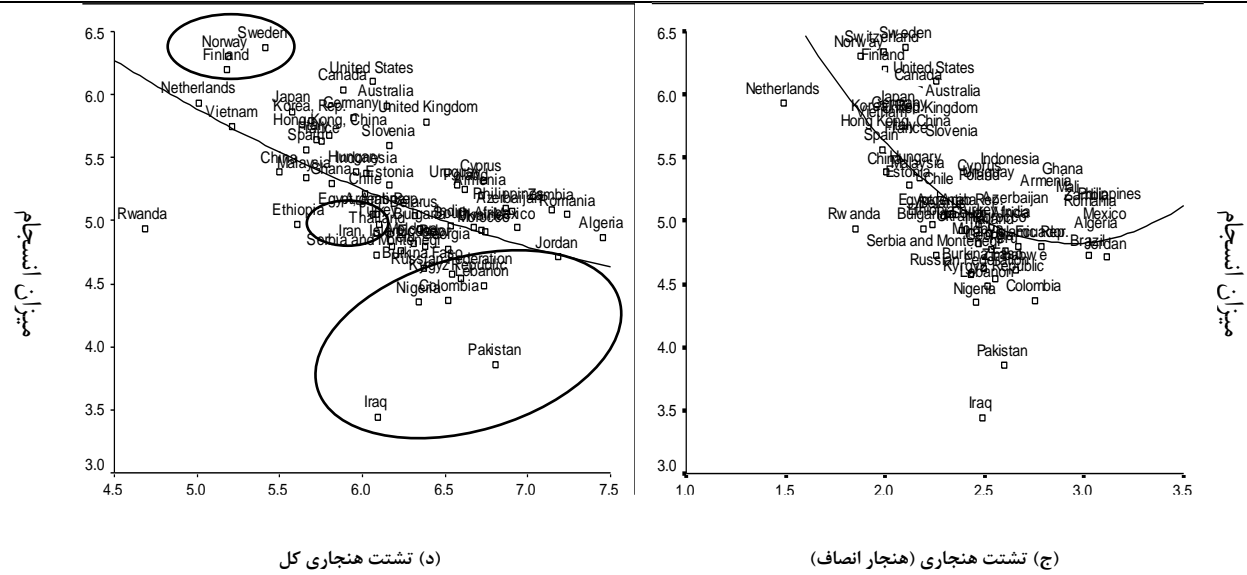
داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که یک رابطه همبستگی و هم‌تغییری معکوس تقریباً قوی بین (میزان تشمت هنجاری درباره ضرورت انجام کار سخت) در جامعه با (میزان انسجام اجتماعی) وجود دارد. میزان همبستگی بین دو متغیر در حدود -0.496 می‌باشد. میزان رابطه همبستگی بین تشمت هنجاری (هنجار موفقیت) در جامعه با (میزان انسجام اجتماعی) برابر با -0.627 و معنادار بوده است. رابطه بین دو متغیر مذکور نیز معکوس بوده و از قوت بیشتری در مقایسه با رابطه بین (میزان تشمت هنجاری درباره ضرورت انجام کار سخت) در جامعه با (میزان انسجام اجتماعی) برخوردار است. میزان رابطه همبستگی بین تشمت هنجاری (هنجار انصاف) در جامعه با (میزان انسجام اجتماعی) برابر با -0.643 صدم، معنادار و معکوس بوده است. این میزان رابطه، قویترین رابطه در میان ابعاد تشمت هنجاری با انسجام اجتماعی بوده است. از میان ابعاد تشمت هنجاری تنها تشمت هنجاری (هنجار وفاداری) از یک رابطه معنادار با انسجام اجتماعی برخوردار نبوده است. در مجموع میان تشمت هنجاری کل با انسجام اجتماعی، همانند ابعاد آن یک رابطه معکوس قوی و معنادار به میزان -0.624 صدم برقرار بوده است. بنابراین، پاسخ سؤال اول مثبت است و بین شاخص‌های مذکور رابطه وجود دارد و تشمت هنجاری می‌تواند یکی از عوامل مهم در تغییر میزان انسجام اجتماعی بشمار آید.

ب) بعد از پاسخ به سؤال اول، اکنون می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که نوع و شکل رابطه، میان ابعاد تشمت هنجاری و تشمت هنجاری کل با انسجام اجتماعی چگونه است؟

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲



انسجام اجتماعی و رابطه آن با تشمت هنجاری



شکل (۱) رابطه بین تشمت هنجاری کل و ابعاد آن با انسجام اجتماعی

- نمودار (الف) در شکل (۱) که رابطه بین تشنت هنجاری کار و انسجام اجتماعی را نشان می‌دهد، یک رابطه خطی است، با توجه به شکل فوق در جوامعی که با تشنت هنجاری بیشتری درباره (هنجار کار) مواجهیم، با میزان پایینی از انسجام اجتماعی نیز روبرو هستیم. بطور کلی انتظار می‌رود با افزوده شدن بر میزان تشنت هنجاری (هنجار کار) شاهد کاهش میزان انسجام اجتماعی باشیم. میزان تشنت هنجاری درباره (هنجار کار) در جامعه ایران برابر با ۰/۳۶ صدم در یک دامنه ۰/۲۶ تا ۱،۰۸ می‌باشد که تقریباً به نمره میانگین کشورها نزدیک است.
- نمودار (ب) در شکل (۱) رابطه بین میزان تشنت هنجاری (هنجار موفقیت) با انسجام اجتماعی را نشان می‌دهد که یک رابطه معکوس و خطی که ابتدا با شیب تند با افزایش میزان تشنت هنجاری (هنجار موفقیت) از میزان انسجام اجتماعی کاسته و در ادامه با شیب بسیار کمتر به صورت خط افقی درآمده است. به نظر می‌رسد، میزان کاهش انسجام اجتماعی در مراحل اولیه تشنت هنجاری بسیار بیشتر از مراحل انتهایی تشنت هنجاری باشد. میزان تشنت هنجاری درباره (هنجار موفقیت) در جامعه ایران، برابر با ۲/۴۹ صدم در یک دامنه ۲/۰۸ تا ۳/۳۶ می‌باشد که تقریباً به کشورهای با تشنت هنجاری تقریباً کمتر نزدیک است.
- نمودار (ج) در شکل (۱) برای اثبات این رابطه که آیا وجود و گستردگی تشنت هنجاری (هنجار انصاف) اثر نامطلوبی بر روی انسجام اجتماعی دارد، همبستگی تشنت هنجاری در میان جوامع مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن در جدول (۴) و شکل (۱) آمده است. توجه به همبستگی بالا و معکوس و غیرخطی تقریباً U شکل بین تشنت هنجاری (هنجار انصاف) در جامعه با شاخص انسجام اجتماعی می‌توان ادعا کرد که در جوامعی که با تشنت بیشتری درباره هنجار انصاف مواجه هستیم، با میزان پایینی از انسجام اجتماعی روبرو خواهیم بود. اگرچه در انتهای بردار شیب رابطه بین تشنت هنجاری (هنجار انصاف) با انسجام اجتماعی به اندازه ابتدای بردار نبوده و به نوعی جهت خط عوض می‌گردد. توضیح و تبیین علت وجود یک چنین رابطه‌ای می‌تواند موضوع مطالعات دیگری باشد. میزان تشنت هنجاری (هنجار انصاف) در جامعه ایران برابر با ۰/۳۹ صدم در یک دامنه ۰/۱۷ تا ۰/۵۰ می‌باشد که به کشورهای با تشنت هنجاری بالا نزدیک است.
- از میان ابعاد تشنت هنجاری در جامعه تنها همبستگی بین تشنت هنجاری تمایل به دفاع

از کشور به عنوان هنجار (وفاداری) با شاخص انسجام اجتماعی دارای یک رابطه معنادار نیست. بررسی همبستگی هنجار وفاداری با انسجام اجتماعی نیز نشانگر یک روند و الگوی خاصی نبوده و یک رابطه مشخصی قابل استنتاج نیست. با این حال به نظر می‌رسد هنجارهایی نظیر وفاداری به یک هویت و سرزمین خاص را بتوان با حرکت از ارزش‌های خاص‌گرایانه‌تر به سوی ارزش‌های عام‌گرایانه‌تر و مفاهیمی نظیر کاهش تعلقات و تعصبات قومی و قبیله‌ای، افزایش احساس جهان وطنی و از بین رفتن مفهوم مرزهای جغرافیایی و شکل‌گیری اتحادیه‌ها تبیین نمود. این شرایط می‌تواند نقش مهمی در تغییر الگوی تمایلات دفاع از وطن در میان مردمان داشته باشد. میزان تشنت هنجاری (هنجار وفاداری) در جامعه ایران برابر با ۲/۶۷ صدم در یک دامنه ۱/۴۹ تا ۳/۱۳ می‌باشد که به کشورهایی با تشنت هنجاری بالا نزدیک است.

- نمودار (د) در شکل (۱) رابطه تشنت هنجاری کل با میزان انسجام اجتماعی را نشان می‌دهد، بررسی رابطه بین تشنت هنجاری (کل) با انسجام اجتماعی در میان کشورها نشان دهنده وجود یک رابطه قوی و خطی میان تشنت هنجاری و انسجام اجتماعی می‌باشد. با هر میزان افزایش تشنت هنجاری در جوامع شاهد کاهش میزان انسجام اجتماعی هستیم. میزان تشنت هنجاری در جامعه ایران برابر با ۶/۱۸ در یک دامنه ۴/۶۸ تا ۷/۴۵ می‌باشد که به کشورهایی با تشنت هنجاری بالا نزدیکتر بوده و میزان انسجام اجتماعی در جامعه ایران برابر با ۴/۸ در یک دامنه ۳/۴۴ تا ۶/۴۹ می‌باشد که به کشورهایی با انسجام اجتماعی پایین نزدیکتر است.

- نتایج بدست آمده در پاسخ به سؤال دوم، مطالعه نشان می‌دهد که یک رابطه معکوس و بیشتر خطی میان ابعاد تشنت هنجاری (هنجار کار و هنجار موفقیت) و تشنت هنجاری کل با انسجام اجتماعی برقرار بوده است. میان تشنت هنجار وفاداری با انسجام اجتماعی رابطه‌ای مشاهده نشد و رابطه میان تشنت هنجاری (انصاف) همانند سایر ابعاد معکوس ولی غیر خطی بوده است.

به منظور اطمینان از رابطه واقعی میان متغیر تشنت هنجاری با انسجام اجتماعی به بررسی اثر کنترل دو متغیر مهم اثرگذار بر روی انسجام اجتماعی یعنی، اختلال توزیعی (ناابری) و اختلال نمادی بر روی رابطه دو متغیر فوق‌الذکر پرداخته شده است. جدول زیر نشانگر همبستگی جزئی متغیرهای مذکور می‌باشد.

جدول (۸) رابطه همبستگی جزئی بین برخی از متغیرها با انسجام اجتماعی

میزان همبستگی	متغیر کنترل (دوم)	متغیر کنترل (اول)	متغیر وابسته	متغیر مستقل
-.۵۳۰			انسجام اجتماعی	تشتت هنجاری
-.۵۶۷		اختلال توزیعی (نابرابری)	انسجام اجتماعی	تشتت هنجاری
-.۳۲۳		اختلال نمادی	انسجام اجتماعی	تشتت هنجاری
-.۳۸۶	اختلال نمادی	اختلال توزیعی (نابرابری)	انسجام اجتماعی	تشتت هنجاری

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که علیرغم کنترل اثر متغیرهای اختلال توزیعی (نابرابری) و اختلال نمادی رابطه بین تشتت هنجاری و انسجام اجتماعی حفظ شده است. این نتیجه مؤید این نکته است که رابطه بین تشتت هنجاری و انسجام اجتماعی یک رابطه واقعی بوده و اثرگذاری خود را حتی در حضور متغیرهای مهم دیگر نیز حفظ کرده است.

میزان اثرگذاری اشتراک و وفاق هنجاری در مقایسه با عوامل مهم (چلبی، ۱۳۸۲) دیگر نظیر اختلال توزیعی (نابرابری) و اختلال نمادی بر روی انسجام اجتماعی چگونه است؟

به منظور پاسخ به سؤال سوم و تعیین میزان اثرگذاری متغیر تشتت هنجاری در مقایسه با عوامل مهم (چلبی، ۱۳۸۲) دیگر نظیر اختلال توزیعی (نابرابری) و اختلال نمادی بر روی انسجام اجتماعی اقدام به بررسی رابطه چند متغیره میان انسجام اجتماعی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای تشتت هنجاری، اختلال توزیعی (نابرابری) و اختلال نمادی به عنوان متغیرهای کنترل گردید. در جدول زیر از طریق رگرسیون خطی (stepwise) اثر متغیرهای مذکور بر روی انسجام اجتماعی نشان داده شده است.

جدول (۹) خلاصه مدل رگرسیونی

مدل	متغیرهای مستقل	ضریب تعیین (R)	مجذور ضریب تعیین (R ²)	مجذور ضریب تعیین تصحیح شده (R ² _{Adj})	خطای استاندارد برآورد (SES)
۱	تشتت هنجاری	.۴۶۵(a)	.۲۱۷	.۱۹۸	.۳۹۸۳۶
۲	تشتت هنجاری، اختلال نمادی	.۵۶۹(b)	.۳۲۴	.۲۹۲	.۳۷۴۴۸
۳	تشتت هنجاری، اختلال نمادی، اختلال توزیعی	.۷۱۱(c)	.۵۰۵	.۴۶۹	.۳۲۴۲۵

انسجام اجتماعی و رابطه آن با تشمت هنجاری

جدول (۱۰) ضرایب رگرسیونی متغیر مستقل در پیش‌بینی انسجام اجتماعی براساس مدل سوم

سطح معناداری (p)	t	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضرایب استاندارد نشده		مدل
			خطای استاندارد (SE)	بی (B)	
		بتا			(عدد ثابت)
.۰۰۰۰	۱۳٫۹۴۳		.۵۵۷	۸٫۰۴۹	
.۰۰۱۱	-۲٫۶۷۹	-.۳۰۸	.۰۹۲	-.۲۴۵	تشمت هنجاری
.۰۰۰۱	-۴٫۲۶۹	-.۵۲۵	.۰۱۳	-.۰۵۶	اختلال نمادی
.۰۰۰۵	-۳٫۸۷۶	-.۴۶۵	.۰۰۶	-.۰۲۳	اختلال توزیعی

همچنان‌که در مدل رگرسیونی مشاهده می‌شود اثر بتای تشمت هنجاری بر روی انسجام اجتماعی با حضور سایر متغیرها همچنان معنادار و مهم و دارای وزن مناسب می‌باشد. اگرچه دو متغیر دیگر اختلال نمادی و نابرابری بیش از تشمت هنجاری بر روی انسجام اجتماعی اثرگذار است، در جوامع مختلف ممکن است میزان حضور هر کدام از متغیرهای مذکور متفاوت بوده و از این رو توجه به هر کدام بطور جداگانه و باهم ضرورت پیدا می‌کند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به منظور پاسخگویی به این سؤال کلی انجام شده است که آیا تشمت هنجاری می‌تواند بر روی انسجام اجتماعی تأثیرگذار باشد. مرور ادبیات نظم و انسجام اجتماعی نشان می‌داد که می‌توان عامل‌های متعددی برای نظم و انسجام اجتماعی در نظر گرفت. یکی از این عوامل که طرفداران و مخالفان خود را هم در میان اندیشمندان کلاسیک و معاصر دارا بود، ارزش‌ها، هنجارها و اصول مشترک می‌باشد. برخی از محققین معتقدند که بدون حضور ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در میان افراد و تطبیق و درونی شدن آنها صحبت از اجتماع بی‌معنی خواهد بود و ارزش‌ها، اصول و هنجارهای مشترک عامل اساسی در ایجاد و حفظ انسجام اجتماعی می‌باشد. در مقابل برخی دیگر از محققان معتقدند که ارزش‌های مشترک عاملی برای حفظ نظم و انسجام جوامع نبوده و برای اتحاد جوامع بر عوامل دیگری نظیر اقتصادی، جمعیت، شرایط مدیریتی، وضعیت سیاسی و ژئوپولیتیکی و نظایر اینها تأکید داشته و شواهدی را نیز ارائه می‌نمایند.

یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را می‌توان به عنوان یک عامل مهم در ایجاد و حفظ انسجام اجتماعی در نظر گرفت. این مطالعه تأیید کننده نظرات افراد و اندیشمندی بود که عامل ارزش‌ها، اصول و هنجارهای مشترک را پایه‌ای برای انسجام اجتماعی در جوامع در نظر می‌گرفتند. از جمله این افراد می‌توان به پارسونز، الستر، هورویتر، شف، کالینز، هانمن، اریدال، هایز، ترنر، گلدستون، اسکاچ پل، هکتر و چای، وایت و هرری، چلبی و دیگران اشاره داشت. اگرچه ذکر این نکته ضروری است که هرکدام از این اندیشمندان مکانیسم‌های متفاوتی برای ایجاد و حفظ انسجام از طریق ارزش‌ها، هنجارها و اصول مشترک قایل بوده‌اند. مطالعه غنیمتی (۱۳۹۶) مربوط به وضعیت انسجام اجتماعی در میان سه کشور ایران، کره جنوبی و پاکستان نیز نشان دهنده وجود رابطه میان تشته هنجاری با انسجام اجتماعی است.

بنابراین، ضرورت مدیریت و سیاستگذاری در جامعه به منظور کسب حداکثر اشتراک ارزشی و هنجاری بسیار مهم به نظر می‌رسد. به‌ویژه آنکه، حتی با کنترل متغیرهایی نظیر اختلال توزیعی (نابرابری) و اختلال نمادی به عنوان عوامل مهم در تبیین انسجام اجتماعی، ملاحظه می‌شود که اشتراک هنجاری و ارزشی همچنان نقش اثرگذار خود در تبیین انسجام اجتماعی را حفظ کرده است.

این وضعیت درباره جامعه ایران نیز صدق می‌کند. با توجه به یافته‌ها و شواهد تجربی، جامعه ایران از اختلال هنجاری و ارزشی برخوردار بوده و درگیر دو و چندقطبی‌های متعدد در حوزه ارزش‌ها و هنجارها می‌باشد، اما آنچه که وضعیت جامعه ایران را از حیث تشته هنجاری و نتایج آن برجسته‌تر می‌کند، امتداد تشته هنجاری به سوی تضاد هنجاری از یک سو و از سوی دیگر پایین بودن میزان مدارای اجتماعی (به عنوان متغیر مهم تعدیل کننده در مکانیسم اثرگذاری تشته هنجاری بر روی انسجام اجتماعی) می‌باشد. داده‌های شاخص پیشرفت اجتماعی^۱ (SPI) نشان می‌دهد که در طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ در جامعه ایران، میزان مدارای اجتماعی روند کاهشی را طی کرده و نمره‌ای نزدیک به نمرات حداقلی را به خود اختصاص داده است (غنیمتی، ۱۳۹۶: ۳۰۱ و ۲۷۳). این وضعیت می‌تواند تفاوت‌ها را به تضاد تبدیل نموده، کلیت جامعه را از طریق کاهش تحمل افراد در مقابل تفاوت‌ها مورد تهدید قرار داده و شرایط انسجامی جامعه ایران را مورد تهدید قرار دهد. می‌توان ادعا کرد که امروزه، درک و تحلیل هر امر مهم در جامعه ایران با نوعی دو یا چندگانگی مواجه بوده و عامل تضاد در جامعه می‌گردد. از این رو ضرورت مدیریت عالمانه و صحیح جامعه بایستی بشدت مورد توجه

۱. Social Progress Index

قرار گیرد و بایستی تلاش شود تا از سطح تشمت هنجاری و ارزشی در جامعه کاسته شود. به نظر می‌رسد موارد زیر می‌تواند نقش مهمی در مدیریت و کنترل تشمت هنجاری و ارزشی در جامعه ایران داشته باشند و از میزان آن در جامعه بکاهد.

الف) شناخت الگوهای مدیریت ارزشی و هنجاری در میان کشورهایی با میزان اشتراک هنجاری و ارزشی بالا، جوامع مذکور از چه الگوهایی بهره می‌برند و چگونه تضادهای هنجاری و ارزشی را مدیریت می‌نمایند. اگرچه الگوهای مدیریت ارزشی و هنجاری یک دستورالعمل کامل و ثابت برای جوامع و کشورها نبوده و ممکن است از زمانی به زمانی دیگر متفاوت باشد، اما با این حال می‌توان از این الگوها به عنوان نقشه عمل حدودی برای مدیریت ارزشی و هنجاری جامعه ایران استفاده کرد.

ب) تنوعات قومی و فرهنگی به عنوان یکی از منابع تفاوت‌های ارزشی و هنجاری می‌باشد. شناسایی الگوهای مدیریت تنوعات قومی و فرهنگی جوامع متکثر کمک می‌کند راه‌هایی که به منظور مدیریت تضادها بر می‌گزینند؛ مورد توجه واقع شود. برخی از کشورهایی با میزان اندک تضاد ارزشی و هنجاری به‌ویژه در آمریکای شمالی از بیشترین تنوع قومیتی، مذهبی و فرهنگی برخوردارند، اینکه چگونه کشورهای مذکور تفاوت‌های ارزشی و هنجاری را مدیریت و از تبدیل آن به تضاد و تشمت جلوگیری می‌کنند، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

ج) در استفاده از الگوهایی برای حل مسئله تشمت هنجاری توجه خاص به شرایط جوامع بسیار مهم است. مطالعه غنیمتی (۱۳۹۵) نشان داده است که اگرچه جوامعی با میزان حداکثر تکثرگرایی فرهنگی و مذهبی از میزان بالاتری از انسجام برخوردار بوده‌اند، با این حال برای جوامع در حال توسعه نظیر ایران پذیرش اصول، ارزش‌ها و هنجارهای متعدد و متفاوت می‌تواند منجر به از هم گسیختگی اجتماعی و فروپاشی انسجام گردد.

ر) با توجه به پایین بودن نمره میزان مدارای اجتماعی در جامعه، آموزش راه‌های برخورد منطقی و مدارای اجتماعی در مواجهه با تفاوت‌ها از طریق آموزش و پرورش و یا دانشگاه‌ها و مساجد به اعضای جامعه می‌تواند نقش مهمی در کاهش تضادها داشته باشد.

چ) گسترش فعالیت در انجمن‌های مدنی و فعالیت و مشارکت در امور اجتماعی، عام‌المنفعه، امدادرسانی و نظایر اینها می‌تواند زمینه اتصال و ارتباط بین‌گروهی را فراهم آورد. همچنانکه چلبی (۱۳۸۲) اشاره می‌کند، گسترش تعاملات و روابط بین‌گروهی از میزان دشمنی‌ها کاسته و بر میزان دوستی‌ها به عنوان مقدمه‌ای برای انسجام اجتماعی می‌افزاید. افزایش روابط اجتماعی می‌تواند اثر مستقیم بر روی درک متقابل از تمنیات گروه‌های مختلف جامعه داشته و نهایتاً شرایط گسترش انسجام اجتماعی را بدنبال داشته باشد. بنابراین، لازم است شرایط برای گسترش روابط و دخالت اجتماعی در میان اعضای جامعه را فراهم آورد.

و نهایتاً بایستی اشاره کرد که اگرچه مطالعه حاضر اثر اشتراک ارزشی و هنجاری بر روی انسجام اجتماعی را نشان می‌دهد، در عین حال مؤید این نکته است که با توجه به ضرایب بدست آمده از مدل رگرسیونی، همزمان بایستی بر نقش عوامل دیگر نیز توجه شود. دستگاه-های نظری مختلف هر کدام توانایی شناسایی و تبیین تنها برخی از عوامل مهم در ارتباط با این موضوع را داشته‌اند و تأکید تنها بر این دستگاه‌های نظری از توانایی اندیشمندان و سیاستگذاران در تبیین انسجام می‌کاهد. در حالیکه جوامع نیازمند یک چهارچوب و قالبی هستند که در آن با حضور عوامل مختلف تأثیرگذار بتوانند زمینه ایجاد و حفظ انسجام اجتماعی را فراهم نمایند.

منابع

- چلبی، مسعود (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- غنیمتی، حسن (۱۳۹۶). *بررسی انسجام اجتماعی با تأکید بر ایران (مورد پژوهی چندگانه تاریخی)*، رساله دکتری، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹). *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران*، تهران: نشر دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.

- Blattman, C & Miguel, E. (2010) "Civil War." *Journal of Economic Literature*, 48(1):3-57.
- Breidahl, K., Holtug, N., & Kongshøj, K. (2018). Do Shared Values Promote Social Cohesion? If So, Which? Evidence from Denmark. *European Political Science Review*, 10(1): 97-118.
- Camilla Pagani (2014) Diversity and Social Cohesion, *Intercultural Education*, 25(4): 300-311,
- Chai, S.K & Hechter, M. (1998) "A Theory of the State and of Social order": Chapter 2 in Dreian, P & Fararo, T. J (eds) *The Problem of Solidarity: Theories and Models*. New York: Gordon and Breach Publisher.
- Collins, R. (2003) "Emotional Energy and the Transient Emotions", Chapter 3 in *Interaction Ritual Chains*. Princeton: Princeton University Press.
- Collins, R. (1995) "Prediction in Macrosociology: The Case of the Soviet Collapse." *American Journal of Sociology*, 100(6): 1552-1593

- Collins, R. Hanneman, R.(1998) "Modeling The Interaction Ritual Theory Of Solidarity." In Dreian, P & Fararo, T.(eds) *The Problem of Solidarity: Theories and Models.* New York: Gordon and Breach.
- Dragolov G., Ignác Z.S., Lorenz J., Delhey J., Boehnke K., Unzicker K. (2016) Theoretical Framework of the Social Cohesion Radar. in: Social Cohesion in the Western World. Springer Briefs in Well-Being and Quality of Life Research. Springer, Cham.
- Ellis, D. (1971) "The Hobbesian Problem of Order: A Critical Appraisal of the Normative Solution." *American Sociological Review*, 36: 692-703.
- Elster, J. (1989). *The Cement of Society: A Survey of Social Order* (Studies in Rationality and Social Change). Cambridge: Cambridge University Press.
- Fararo, T.J & Dreian, P.(1998) "The Theory of Solidarity: An Genda of problems": Chapter 1 in Dreian, P & Fararo, T. J (eds) *The Problem of Solidarity: Theories and Models.* New York: Gordon and Breach Publisher.
- Fonseca, X. Lukosch, S. , Brazier,F,. (2019) Social Cohesion Revisited: A new definition and how to characterize it, *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, 32(2): 231-253.
- Goldstone, J.(1991) "Ideology, Cultural Frameworks, and the Process of Revolution." *Theory and Society*, 20(4): 405-453.
- Heise, D. R.(1998) "Conditions for Empathic Solidarity.", Chapter 3 in Dreian, P & Fararo, T. J (eds) *The Problem of Solidarity: Theories and models.* New York: Gordon and Breach Publisher.
- Helly, D., Barsky, R., & Foxen, P. (2003). *Social Cohesion and Cultural Plurality.* The Canadian Journal of Sociology, 28(1): 19-42.
- Hogg, M. A & Vaughan, M.G.(2002) *Social Psychology.* London: Prentice Hall Press.
- Hogg, M. A.(1992) *The Social Psychology of Group Cohesiveness: From Attraction to Social Identity.* New York: New York University Press.
- Horowitz, D. L.(1998) *Structure and Strategy in Ethnic Conflict.* Publisher: World Bank.
- International Institute of Social Studies (ISS).
- Jenson, J., (2019) Intersections of Pluralism and Social Cohesion, Global Centre for Pluralism.
- Jenson, J., (1988). Mapping Social Cohesion: The State of Canadian Research. 1st Ed. Canadian Policy Research Networks, Ottawa.
- Kaufmann, D. Kraay, A. and Pablo Zoido-Lobaton. (1999). "Governance Matters.", Policy Working Paper 2196, Development Economics Group, World Bank.
- Kaufmann, D. Kraay, A. and Massimo Mastruzzi. (2006). "Measuring Corruption: Myths and Realities", *Development Outreach.*

- Kymlicka W. (1995) *Multicultural Citizenship*. Oxford: Oxford University Press.
- Kolstø, Pål; Tyldum, Guri, (2006) "Common Values and Social Cohesion in Ethnically Divided Societies" *Ethnicity Studies/ Etniskumo Studijos. Issue 1:121-146*.
- Li, R. S. K.(2002) "Alternative Routes to State Breakdown: Toward an Integrated Model of Territorial Disintegration." *Sociological Theory*, 20:1-23.
- Markvosky, B & Lawler, E. J.(1994) "A New Theory of Group Solidarity.", in Markvosky, B & O'Brien, J & Heimer, K (eds.), *Advances in Group Processes*,11: 113-137.
- McPherson, M., & Smith-Lovin, L.(2002), "Cohesion and Membership duration: Linking Groups, Relations and Individuals in an Ecology of Affiliation.", in (ed.) *Advances in Group Processes*, 19: 1- 36
- Mekoa, Itumeleng & Busari, Dauda. (2018). "Social Cohesion: Its Meaning and Complexities". *Journal of Social Sciences*. 14: 107-115
- Parton, B. (2011), "Stability for Development, Development for Stability: The Relationship Between Regional Organizations and Social Cohesion Through the Lens of the EU and Mercosur". *Peabody Journal of Education*, 86(2), 129-143.
- Portes, A., & Vickstrom, E. (2011). "Diversity, Social Capital, and Cohesion". *Annual Review of Sociology*, 37, 461-479.
- Scheff, T. J.(1967) "A Theory of Social Coordination Applicable to Mixed-Motive Games. *Sociometry*, 30(3), 215-234.
- Schiefer, D., Van der Noll, J., (2017). "The Essentials of Social Cohesion: A Literature Review". *Soc Indic Res* 132: 579-603
- Scott, S & Marshall, G.(1998) *A Dictionary of Sociology*. New York: Oxford University Press.
- Skocpol, T.(1994) *Social Revolutions in the Modern World*. Cambridge Studies in Comparative Politics. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Spicker, P. (2014). Cohesion, Exclusion and Social Quality. *The International Journal of Social Quality*, 4(1): 95-107.
- Stanley, M (2017) "Sociological Perspectives on Social Cohesion as the Principal Requirement for Social Stability", *South African Review of Sociology*, 48 (3): 84-98.
- Tajfel, H., & Turner, J.(1979) "An integrative theory of intergroup conflict.", Chapter 3 in Austin, G. W. & Worchel, S. (eds) *The Social Psychology of Intergroup Relations*, Brooks/Cole Pub.
- Tajfel, H., & Wilkes, H.(1963) "Classification and Quantitative Judgment." *British Journal of Psychology*, 54: 101-114.
- Turner, H. J.(2006) *Handbook of Sociological Theory*. New York: Springer.

- Turner, B. S. & Rojek, C.(2001). *Theory, Culture & Society: Society and Culture: Principles of Scarcity and Solidarity* London: Sage Publications Ltd.
- Turner, J. C.(1985) "Social Categorization and the Self-concept: A Social Cognitive Theory of Group behaviour." In E. J. Lawler (Ed.). *Advances in Group Processes*. 2: 77-122.
- United Nations.(2005) "The Inequality Predicament." United Nations
- White, D. R. & Harary, F.(2001) "The Cohesiveness of Blocks in Social Networks: Node Connectivity and Conditional Density." *Sociological Methodology*, 31: 305-359.
- [www.World Values Survey\(WVS\)](http://www.WorldValuesSurvey(WVS))
www.data.worldbank.org/indicator/
www.cidcm.umd.edu/mar

